

غدیر تجلی بیعت با امام زمان (عجل الله فرجه الشریف)

فریبا کرمی^۱

^۱.دانش آموز خته سطح دو حوزه مدرسه نرجسیه سنتقر . 09015605244

چکیده

واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تأثیر خاصی در تاریخ اسلام است. پژوهش حاضر نیز بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی و بهره گیری از منابع موجود به بررسی واقعه غدیر خم و تجلی بیعت با امام زمان (عجل الله) پرداخته است. جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود. بنابراین نصب امام علی(علیه السلام) به مقام ولایت در غدیر خم، از موضوعات مهم تاریخ اسلام است. شاید مسئله ای مهم تر و با اهمیت تر از این واقعه وجود نداشته باشد. این واقعه بیانگر بقای رسالت پیامبر اکرم(صل الله و عليه و آله) و دوام دوره الهی آن حضرت در تجلی گاه وجود مبارک علی (علیه السلام) می باشد . مکتب غدیر، مکتب جهاد، مکتب ایمان، مکتب قرآن و استمرار مکتب همه انبیاء است. غدیر، صراطی است که رهپویان حقیقت باید از آن عبور کنند و گمشدگان در وادی خوف، خطر، تاریکی و ضلالت، راه خود را به آن مقصد به اتمام برسانند. غدیر روزی است که در تعالی و عظمت، با روز بعثت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله همتراز است. هر دو آغاز است و هر دو یوم الله الاکبر است. برای این دو روز، روز سوم، روز ظهور مصلح یگانه آخر الزمان، منجی عالم بشریت، عدل کل و موعد رسول حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است؛ شخصیت بلندپایهای که انبیا و صحف آسمانی به ظهور او بشارت داده‌اند و «یَمِّلُّ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» (نوری؛ ج 12، باب 31، حدیث 14094) از اوصاف مختصه او است و «هُوَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِيهِ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا» (مجلسی ، ج 26، باب 5، حدیث 47) برنامه قیام و اقدام او است. همان گونه که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در خطبه پر از معنا و مفهوم غدیر، بارها بشارت حکومت عدل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دهد، صاحب غدیر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در موضع و موقع مختلف بارها و بارها این امتداد غدیری را اعلان نموده اند و هم اکنون نیز تمام حقیقت غدیر ظاهر نشده است و تنها با ظهور بقیه الله است که این امر به کمال می رسد.

وازگان کلیدی : غدیر ، تجلی ، ظهور ، بیعت ، امام زمان (عج)

در قرآن کریم به طور متعدد از عهد و پیمان خداوند سخن گفته شده و بر آن بسیار تاکید شده است : «أَنَّمَا يُتذَكَّرُ أَوْلُ الالْبَابِ الَّذِينَ يَوْفَوْنَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقضُونَ الْمِيثَاقَ؛ تَنْهَا صَاحِبَانِ خَرْدٍ مَتْذَكِّرٍ مَّا شَوْنَدَ كَسَانِيَ كَهْ بَهْ عَهْدِ خَداوندِ وَفَا مَّا كَنَنْدَ وَپَیْمَانَ رَانَمِی شَكَنْتَدَ. (رعد/19-20)

مطابق آنچه ائمه علیهم السلام تفسیر فرموده اند و بر اهمیت و ضرورت آن تاکید کرده اند عهد خداوند، در این آیات، همان پیمانی است که در خصوص امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعدی گرفته شده است . مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همان وظیفه ای که نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند در مورد سایر ائمه نیز مکلف بودند هر چند که هیچ یک از آنها، زمان حضور اکثر آن بزگواران را درک نکردند. آنها به لحاظ قلبی و اعتقادی وظیفه داشتند به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند را نسبت به جانشینان ایشان هم ملتزم باشند؛ این وظیفه برای مردم زمان های بعد تا روز قیامت هم وجود داشته و دارد.

دین اسلام یک دین جهانی و ابدی است بنابراین احکام آن بخصوص احکام اعتقادی، اختصاص به زمان یا منطقه یا مردم خاصی ندارد. پس همه ی آنچه را که پیامبر در توضیح عهد خداوند، نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند، برای همه ی انسانها در همه ی زمانها و نسبت به تمام ائمه جاری بوده و هست. این حقیقت را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود به صورت عمومی و خصوصی بارها اعلام فرموده اند. آخرین اعلام عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روز 18 ذی الحجه دهم هجری، در بازگشت از حججه الوداع بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مفصل تر از دفعات پیشین آن را بازگو کردند و از مردم حاضر برای آن بیعت خواستند .

در غدیر سال دهم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با همه ی مسلمانان تا روز قیامت سخن گفتند و برنامه ی هدایت الهی را – که همان وفا به عهد پروردگار است- تا پایان دنیا اعلام فرمودند. در آن روز راه دینداری را تا قیامت برای همگان ترسیم کردند و به این وسیله حجت خدا را بر همه ی انسانها در همه ی زمان ها تمام نمودند. بنابراین غدیر حادثه ای نبود که برای مسلمانان تنها جنبه ی تاریخی داشته باشد. با وجود اینکه اکثریت مردم بلاfacسله بعد از غدیر دستور العمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نادیده گرفتند و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را پذیرفتند؛ اما پیام غدیر به گوش نسل های بعد رسید و آنها توانستند وصی پیامبر را در زمان خویش بشناسند و این چنین هرگز نور هدایت الهی خاموش نشد. معرفی خاتم ائمه علیه السلام - حضرت

مهدی عجل الله تعالى فرجه بخش بسیار مهمی از خطبه غدیر است که پیامبر در آن به معرفی اسم و وصف ایشان پرداختند و بدین وسیله حجت را تمام کردند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان خطبه خویش از مردم دعوت فرمودند که برای بیعت با علی بن ابی طالب علیه السلام ابتدا با پیامبر مصافحه کنند (در حقیقت بیعت با خود را بیعت با امیرالمؤمنین شمردند) و سپس دستور دادند تا با علی علیه السلام مصافحه نمایند. همه امت امر شدند که از طریق بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه از نسل ایشان بیعت کنند؛ همچنین نبی اکرم تصريح فرمودند که این بیعت معاهده با خداست: «بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است؛ من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم» هرچند خداوند متعال و اهل بیت علیه السلام نیازی به این بیعت ندارند و ملزم بودن به این عهد و پیمان در جهت منافع خود مردم می باشد، اما خداوند به وفاداران به این میثاق و عده پاداش عظیم داده است. بالاترین سودی که برای فرد حاصل می شود، تحقق ایمان است چرا که ایمان جز با ثابت قدمی بر سر این پیمان محقق نمی گردد و هر کس از اولیای الهی روی گرداند، از خداوند رو گردان شده است. حال باید دید این بیعت چگونه حاصل می گردد و مردم همه می نسل ها تا قیامت چگونه می توانند با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امامان خود بیعت کنند؟ (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲) به راستی اگر ما خود را پیروان امام عصر علیه السلام می دانیم باید منصفانه بررسی کنیم که اعمال ما چقدر مطابق پیمانی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ما خواسته اند؟ آیا با دل و جان و زبان تسلیم ایشان شده ایم؟ چقدر از سالهای عمر خود را برای امام زمان علیه السلام صرف کرده ایم؟ در این مقاله در صدد بیان آن هستیم که غدیر تجلی بیعت با امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشریف) است.

تعريف لغوی وفای به عهد

وفاء از ریشه «وفی» و به معنای چیزی را به تمام و کمال رساندن است. حفظ و نگهداری پی در پی از چیزی را نیز، عهد گویند. درنتیجه، وفای به عهد بدین معناست که عهد بدون کم و کاست و مطابق و عده انجام شود.) راغب اصفهانی، ص ۵۹۱*، ۸۷۸ قریشی، ج ۸، ص ۲۳۰)

وفای به عهد در قرآن

واژه «عهد» در قرآن به سه معنا به کار رفته است:
الف : گاهی به معنای سفارش و تاکید کردن به کار رفته که لازمه آن امر و فرمان است. در این باره می توان به

آیه ۶۰ سوره یس اشاره کرد که خداوند می فرماید: «ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را نپرستید؟ زیرا وی دشمن آشکار شماست.»

ب) در بعضی موارد نیز، کلمه عهد به معنای یکی از مناصب الهی و مقامات آسمانی است که به کسی داده می شود؛ مانند منصب نبوت و امامت. در این باره می توان به آیه ۱۲۴ سوره بقره اشاره کرد که حق تعالی در این آیه می فرماید: «پیمان من {که امامت و پیشوایی است} به ستمکاران نمی رسد»

ج) در برخی موارد نیز، عهد به معنای قرارداد دو طرفه آمده است که اصطلاحاً به آن معاهده گفته می شود. عهد به این معنا گاهی بین دو نفر، دو گروه، دو جامعه، جامعه و فرد، گروه و گروه، گروه و فرد و گاهی نیز بین خدا و انسان تحقق می یابد. در این باره می توان به آیه ۲۳ سوره احزاب اشاره کرد که خداوند می فرماید: «از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند {و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود} صادقانه وفا کردن»

بیش ترین کار برد عهد در قرآن کریم به معنای سوم عهد اختصاص دارد که از زوایای مختلف اخلاقی، فقهی و حقوقی به بررسی آن پرداخته شده است . تعابیر دیگری که در قرآن برای عهد به کار رفته، واژه هایی نظیر «عقد»، «ميثاق»، «وعده» و «بيعت» است که رایج ترین واژه در این رابطه، خود واژه عهد است. تعابیری هم که برای پای بندی به عهد در آیات قرآن به کار رفته، واژه هایی نظیر «وفا» و «رعايت» است که بیش از همه وفا کاربرد دارد .(صبح یزدی ، ج ۳، صص ۱۸۲ ۱۷۶)

ريشه هاي پيمان شكنى

۱. بي ايماني : از بدويهی ترین عوامل پيمان شكنی، نداشتن ايمان است. در واقع آنکس که وفای به عهد و پيمان نکند، دين ندارد {لادين لمن لا عهد له ، رسول اكرم صل الله عليه و آله} (مجلسی ، ج ۷۵، ص ۹۶) و طبیعتاً آن کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند باید به پیمانی که بسته اند، وفاکنند . " من کان یومن بالله من لم یرع عهوده و دممه ". رسول اکرم صل الله علیه و آله (کلینی ، ج ۲، ص ۳۶۴) به استناد تاریخ عده ای از حاضرین در غدیر بعد از آن واقعه از پیمانی که با امیر مومنان بسته بودند، سر باز زدند که نشان از خلاصه حضور ایمان در وجود آنهاست. کسی که عهد و پیمان خود را رعایت نکند به خدای سبحان یقین نیاورده است . (ما ایقنت بالله من لم یرع عهوده و دممه " حضرت علی علیه السلام (غره الحكم / ص ۳۶۶)

2. دروغگویی : بهترین حالت شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها، وفا است . " خَيْرٌ مُفَاتِحٌ
الْأُمُورِ الصِّدِّيقُ وَ خَيْرٌ خَوَاتِيمُهَا الْوَفَاءُ" (مجلسی ، ج 78، ص 161) امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی
که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: 'مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّ
مَوْلَاهٌ'، ابلیس و بزرگان گروهش حاضر بودند. شیاطین به او گفتند: به ما چنین نگفته بودی! بلکه خبر داده
بودی که هرگاه پیامبر از دنیا برود اصحاب او متفرق می شوند! این طور که او صحبت کرد برنامه‌ی مستحکمی
را پیش بینی کرد که هر کدام از جانشینانش هم از دنیا برود دیگری به جای او می نشیند! ابلیس در پاسخ
گفت: بروید، که اصحاب او به من وعده داده اند که به هیچ یک از گفته های او اقرار نکنند. (مجلسی ، ج 37
ص 120 و 168)

این مطلب بیانگر واقعیتی غیر قابل انکار است و منافقینی که در برکه غدیر و تحت منبر پیغمبر نشسته
بودند، حتی هنگام «بَخِيْ بَخِيْ» گفتن هم صادق نبودند و دروغگویی را مسیر و مسلک خود قرار داده بودند.

3. نفاق و دوروثی : از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی این آیه سؤال شد که 'يَغْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا'،
فرمود: در روز غدیر آن را می شناسند، و در روز سقیفه آن را انکار می کنند. (اعلمی ، ج 2 ص 164 ح 736)
با توجه به اقدامات منافقین آن روز و رهروانشان در طول تاریخ در مقابل اهل ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام،
عمق کلام خداوند تبارک و تعالی را می توان دریافت که می فرماید: "وَاجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَىٰ وِلَايَةٍ عَلَيِّ ما
خَلَقْتَ النَّارَ." اگر همه‌ی مردم بر ولایت علی متفق بودند آتش جهنم را خلق نمی کرد. (مجلسی ، ج 39 ص
(247)

4. ترس : در بسیاری از موارد «ترس» عامل پیمان شکنی است. اگر شخص ترسو در سختی و تنگنا قرار بگیرد و
بینند که جان و مالش در خطر است دیگر عهدو پیمان برای او اهمیتی نخواهد داشت و براحتی پیمان خود را
زیر پا می گذارد. البته در اصل پیمان شکنی و در وجود پیمان شکنان غدیر خم، ریشه‌های دیگری
چون «دنیاگرایی، حسادت، تکبر و غرور و...» را می توان اضافه و توضیح داد که به اختصار اکتفا می کنیم.

غدیر اعلام آمادگی برای ظهور و منجی

هدف اصلی غدیر جامعه سازی است که انسان مستقیماً آنچه را که برای اداره امور خود لازم و برای بندگی
ضرورت دارد، از باب الله بگیرد. اما اگر مردم نخواهند و به این مهم پی نبرند و بی تقوایی کنند . مسلمان خدا نیز
امتحانات و ابتلائاتش را شدیدتر می کند. نگرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از برگشت مردم به جاهلیت در

خطبه غدیر کاملا مشهود و قابل تأمل است. پیامبر اکرم (صل الله عليه و آله) در خطبه غدیر فرمود: " ای مردم بدانید من به شما در مقابل سرنوشت شوم گناه اعلام خطر می کنم و راهنمایی که باید دست شما را بگیرد و به راه ببرد علی است... بدانید آخرین از ما رهبران ، قائم مهدی است. اوست که بر عموم ادیان پیروز می شود یعنی اینکه ای مردم اگر این امر محقق نشود ، باید متظر بمانید تا کار شما اصلاح و امت آماده شود. اگر جامعه، جامعه معنوی اهل تقوی نباشد نمی تواند از اولیاء خدا در سطح عموم استفاده نماید. اما آنچه مهم است محقق شدن وعده های قرآن است که برای صالحان و مستضعفان جهان داده می شود، از جمله آیاتی که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد ، آیه 5 سوره قصص است " ونريد ان نمن الذين استضعفوا في الأرض و يجعلهم الائمه و يجعلهم الوارثين " که امام علی (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرمایند : " این گروه آل محمد (صل الله عليه و آله) هستند که خداوند مهدی(عج) آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانش را خوار و ذلیل می کند".(العروس الحویزی ، ج 4، ص 111)

با مطالعه سیر تاریخی اهل بیت عصمت و طهارت این عدم شعور و فهم جامعه فهمیده می شود امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با مظلومیت تمام 25 سال خانه نشین کردند و سرانجام به شهادت رساندند. امام حسن (علیه السلام) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) همه در رنج و محاصره و زندان و جنگ و فضای تهدید بودند اما جامعه ی ساكت و یاران اندک در هر دوره ای برای هر امامی بوده است و نمونه بارز و نقطه عطف این مصیبت ها، مصیبت جانگذار سید الشهدا است که لکه ننگی را بر صفحه تاریخ نهاد این ها نقاط دردناک تاریخ اسلام است که ذهن را به این نکته معطوف می کند که آیا باید حضرت مهدی (عج) باید و تاریخ تکرار گردد؟ اما دیگر نه خداوند او را ذخیره کرده است تا جامعه به خود نیاید و نفهمد که کسی نمی تواند امور بشر را اداره کند حضرت هم چنان در پس پرده غیبت خواهد ماند. مطلب این جاست که باید مردم به این نتیجه برسند که غیر حکامی که از طرف خدا منصوب هستند نمی شود بر مردم حکومت کرد و نیازهای آن ها را جواب داد پس برای وصل به این اندیشه به زمان نیاز هست در قرآن می خوانیم "فلا اقسم بالخنس(تکویر/15)، "خنس" یعنی ستاره پنهان شده که منظور از این ستاره پنهان شده طبق روایت، امام زمان (عج) است برای این که این ستاره و حقیقت پنهان شده در پس این غیبت باقی نماند و بیرون آمده و نورافشانی کند نیاز به آمادگی فکری بشریت دارد که امیرشان از همه جای عالم و از همه کس قطع و به این نتیجه برسند که فقط ولی خدا لازم است باید یقین به این انقطاع حاصل شود : "این الله الذي اليه يتوجه الاولياء" این بند از دعای ندبه به خوبی

اثبات می کند که مومنین حقیقی به دنبال باب الله می گردند و از همه جا نا امید شده و ندبه سر می دهند: "کجاست آن باب الهی که اولیاء خدا و دوستان الهی به آن باب توجه دارند."

بیعت غدیر بیعت با بقیه الله است

در کتاب معجم الاحدیث مهدی (عج) 564 روایت مهدوی از لسان پیامبر نقل شده است که معلوم می شود آن حضرت بارها به جریان امامت و ولایت و خلافت پس از خود در دوران 23 ساله نبوت شان اشاره کرده بودند ما غدیر را ظرف بیعت با امام زمان و ولی عصر در هر دوره ای می دانیم به طوری که در 1400 سال پیش وقتی پیامبر خدا امیرمومنان را معرفی فرمود که : "هر که من مولای اویم علی مولای اوست" مرد و زن با ایشان بیعت کردنند اکنون نیز ولی زمان و صاحب غدیر مهدی (عج) است لذا غدیر ظرفی برای بیعت با امام عصر (عج) است که مساله تجدید عهد و پیمان در آن مطرح می شود . ما معتقدیم امام زمان (عج) چکیده و عصاره انبیاست به طوری که وقتی پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) ولایت ایشان را در انتهای خطبه معرفی می کند این آیه نازل می شود که ما امروز دین تو را کامل کردیم و نعمت را بر شما تمام کردیم. پس قطعاً در این عصر ولایت امام عصر (عج) کمال دین و اتمام نعمت است قطعاً امروز اگر از رسول خدا می خواستیم تا جانشین برای ما معرفی کند دست امام عصر (عج) را می گرفتند و به جهانیان معرفی می کردند. چنان چه که از برترین اعمال در روز عید غدیر تجدید بیعت با وجود مبارک و نازنین ولی الله المطلق القائم بالصدق و بالحق بقیه الله الاعظم حضرت حجه ابن الحسن العسكري است. زیرا مهم ترین امر بعد از توحید و نبوت، امر ولایت ائمه اطهار و قبول آن است و بهترین روز ما روز عید غدیر است و خداوند هم اراده فرموده که در این روز تجدید بیعت با امیرمومنان (علیه السلام) انجام می گیرد. پس مهم ترین و والاترین عملی که مومن در روز شریف غدیر باید انجام دهد. تجدید بیعت با امام و ولی زمان خودش است . زیرا این بیعت با امام و ولی زمان یک بار در غدیر اتفاق افتاد و آن جا که پیامبر فرمود: "الا و انی قد بایعت الله و علی قد بایعنی و انا آخذکم بالبیعه له عن الله عروجل" (شیخ طبرسی ، ج 1 ، ص 63) من با حضرت احادیث بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است و من از طرف خدا برای علی از شما بیعت می گیرم. باید بدانیم که این بیعت تنها دست دادن با خدا نیست بلکه منظور تسلیم بودن قلبی و زبانی و عملی است. چرا که اگر غیر از این باشد بیعت پیامبر (صل الله علیه و آله) با خداوند معنایی نخواهد داشت. چنان چه در دعای شریف عهد هم از امام صادق (علیه السلام)

چنین روایت شده : "اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعه له فی عنقی لا احول عنها و لا ازول ابدا" خداوندا من در این بامداد و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر تجدید عهد و پیمان می کنم با امام زمانم بیعتی که سرپیچی از آن نخواهم کرد و آن را از بین نخواهم برد. به یاد داشته باشیم صفاتی را که پیامبر (صل الله علیه و آله) در خطبه غدیر برای آن بزرگوار بیان فرموده:

معاشر الناس! انی نبی و وصی

الا ان خاتم الانومنه منا القائم المهدی

الا انه الظاهر على الدين

الا انه المتقم من الظالمين

الا انه الناصر للدين الله

الا انه وارث كل علم و المحيط بكل فهم

الا انه قد بشر به من سلف من القرون بين يديه

الا انه الباقی حجه و لا حجه بعده و لاحق الا معه و لا نور عنده

علیه الا و انه ولی الله فی ارضه و حکمه و فی خلفه و امنه فی سره و علانیته

این منت است چون نعمت است از جانب پروردگار مهربان. نعمتی که به سبب آن هدایت و رستگاری حاصل می شود مقامات عالی کسب می شود نعمتی است که خداوند معرفت و شکر آن را به همه خلائق واجب گردانید و نعمتی است که درروز قیامت از آن سوال می شود" : ولتسالن یومئذ عن التعیم" (تکاثر/88)

به همین خاطر است که حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) فرمودند : "در روز غدیر به ملاقات یکدیگر بروید و پاس این نعمت را بدارید. الحمد لله الذي جعلنا من الممتسكنين بولایه امیر المؤمنین و اولاده معصومین (علیم السلام) .". (سیدبن طاووس. ص 464)

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم
2. طبرسی ، احمد بن علی، 1360 هـ ش الاحتجاج علی الماج ، نشر مرتضی مشهد .
3. العروس الحویزی ، عبدالعلی بن جمعه. 1415 هـ ق، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم .
4. سید بن طاووس، علی بن موسی، 1367 هـ ش، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه اعلمی ، علاء الدین ، مصحح محمد بن حسن حرعاملی ، ثبات الهداء بالنصوص و المعجزات ، جلد 2 ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، اول هجری شمسی ، چاپ اول .
5. راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، 1412ق یا 1992 م ، ج 3 ، المفردات فی غریب القرآن ، دارالشفا ، بیروت ، لبنان .
6. مصباح یزدی ، محمدتقی ، اخلاق در قرآن، 1380، ج 3 ، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ، قم .
7. علی ابن ابی طالب ، غررالحكم ، 1410 م ، گردآورنده عبدالواحد محمد آمدی ، مصحح مهدی رجایی ، دارالکتاب الاسلامی ، قم .
8. قریشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن، 1371 ، دارالکتب اسلامیه ، تهران .
9. مجلسی ، محمدباقر ، بحارالانوار ، 1363 ، ج 26-27-28-29-30 ، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر(عج) ، تهران .
10. مقاله «مهدی علیه السلام تداوم عهد الهی»، مریم احمدی، فروغ بلوجی، لیلا کرمیان، آمنه کریمی، هاجر کوچکی فرد، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها، ویلاشهر، بهار 1392